

# جهان اسطوره شناسی

## آئین و اسطوره

### XI

ترجمه و تألیف جلال ستاری



نشر مرکز

## فهرست

- یادداشت مترجم ..... ۱
- اسطوره / ژان برنیس ..... ۷
- آئین و اسطوره / لوک بنوا ..... ۱۳
- ادیان به چه کار می آیند؟ / ژان - پییر ورنان ..... ۳۳
- گفتگو با پل ون ..... ۵۷
- ادیپ در راه / جلال ستاری ..... ۶۱
- اسطوره کوه مرو، جایگاه خدایان هندو / ارنست دیز ..... ۶۹
- گفتگو با ژان بوترو ..... ۹۱
- درباره چند تصویر آتش / رنه پاسرون ..... ۹۷
- اسطوره در اندیشه مارسل موس / جلال ستاری ..... ۱۳۱
- کنش اسطوره / جلال ستاری ..... ۱۴۳
- اسطوره پردازی شاعرانه / ماری دلکور ..... ۱۹۱
- بازیبنی اساطیر / میشل لیور ..... ۱۹۷



## یادداشت مترجم

این دفتر دنبالهٔ مجموعه مقالاتی است دربارهٔ اسطوره که تاکنون ده جلد آن منتشر شده است و بنابراین یازدهمین شمارهٔ آن مجموعه به شمار می‌رود و اگر بخت یار باشد، ادامه خواهد یافت. مقالات گوناگون این دفتر نیز بسان مقالات پیشین، حاکی از گوناگونی مصادیق اسطوره در عرصهٔ فرهنگ جهان و تفاسیر مختلف آن از دیدگاه‌های متفاوت است و در این میان نکته‌ای که بذل جلب توجه به آن به نظرم حائز نهایت اهمیت است و یکی از مقالات دفتر نیز به شرح همان نکته اختصاص دارد، رابطهٔ موجود میان آئین و اسطوره است که غالباً سنت نیز بر آنها افزوده می‌شود.<sup>۱</sup> اما این دو مترادف نیستند و بر یک معنی دلالت نمی‌کنند.

فی الواقع «در تفکرات مربوط به دیانت بدوی، از دیرباز، دو نظریه رواج دارند. به موجب کهن‌ترین نظریه، اسطوره، خاستگاه آئین (rituel) است بدین معنی که اسطوره، متضمن واقعه‌ای محقق یا باوری است که

۱- «جشنوارهٔ نمایش‌های آئینی و سنتی».



موجد اعمال آئینی اند و بنا به نظریه دوم، برعکس، «نه تنها اساطیر و خدایان، بلکه در یونان، تراژدی و دیگر اشکال فرهنگی نیز از آئین نشأت می‌گیرند»<sup>۱</sup>. اما اندیشه اساطیری همواره از آنچه نخستین بار روی داده است، از کاری خلاق در زمان بی‌زمان یا در فجر خلقت (مانند قربانی موجودی اساطیری یا مخلوقاتی دیگر که باعث باروری و آبادانی و بهروزی می‌شود) یاد می‌کند و آئین، یادآوری و تذکار آن کار است و اصولاً اندیشه آئینی، ناظر به تکرار سازوکاری بنیادین و پی‌ریز در حکم شالوده است. بنابراین آئین، نمایش و تصویر اسطوره‌ایست که مقدم بر آئین، رواج داشته باور می‌شده است. به بیانی دیگر، اسطوره روایت و حدیثی است که به اعتقاد بسیاری، به زبانی رمزی حکایت شده است و آئین آن روایت یعنی باوری اسطوره‌ای را نقش می‌زند و تماشایی می‌کند، آن هم به کرات و به هر چندگاه یکبار تا معنای اسطوره که به اعتقاد اسطوره‌باوران، مهم است زیرا آموزنده و همچون چراغ روشنی راهنمای قوم در هزارتوی زندگی است، فراموش نشود. پس برای فهم آئین، باید اسطوره بنیانگذارش را شناخت و این اسطوره، همواره و الزاماً دینی نیست، اما همیشه قدسی است، حتی اگر به نخستین نگاه، عرفی بنماید زیرا به گمان اسطوره‌باور، از ناشناخته‌ها و نادیده‌ها حکایت دارد و غیب‌آموز است و بنابراین گویی در زمان بی‌زمان سیر می‌کند و مکان یا فضای آفاقی نیز نمی‌شناسد. و این شگفت نیست زیرا اسطوره، حدیث کاری کارستان است که به دست یا به مدد انسان‌هایی فرهمند، برخوردار از نیرو و توانایی خارق عادت یا سرشتی ابرطبیعی، صورت می‌گیرد و به همین جهت سرنوشت‌ساز می‌نماید.

به عنوان مثال آبشخور آئین جشن نوروز، اعتقاد اساطیری به قدرت و خیر و برکتی است که در هر نوشدگی هست. جهان با دور شدن از

سپیده‌دم خلقت که صلابت و اثربخشی و باورش هنوز بکر و دست‌نخورده بود، رفته‌رفته، دستخوش ضعف و فتور می‌شود و بنابراین برای جبران این سستی و رخوت که به مرور دامنگیرش شده است، باید آن دوران خجسته را به گونه‌ای نمادین، تجدید و تکرار کرد. همه رمزهای آن آئین کیهانی دال بر همین معنی است و لذا اگر به درستی فهم نشوند، ممکن است عبث و خرافی به نظر آیند که بیگمان نظری نسنجیده است و پایداری سستی‌ناپذیر آئین خود، گواهی استوار بر باوری امیدآفرین و روشنی‌بخش دل‌هاست.

اما سنت، صرف‌نظر از حکمت باطنی خالده‌ای که از پیشینیان سینه به سینه به طالبان مشتاق رسیده است و در معرفت خفی رنه‌گون به سنت، اصطلاح شده است، در عرف عام به معنای عادت و خوی و سیرت است از قبیل سنت مروّت و سنت شاعرنوازی و قناعت‌پیشگی و محلی‌گرایی و یا آنچه از افعال و اقوال بزرگان دین و دنیا روایت شده است و اندک اندک به صورت رسم و نهاد و راه و روشی درآمده است و یا در مقوله هنرهای سنتی، سنت کهن نقاشی مینیاتور و خوشنویسی و تزئینات داخلی ساختمان، حتی معماری مساجد جدید به اسلوب قدیم. سنت بدین معنا تقلید از الگویی است که رفته‌رفته عادت‌ی قوی‌بنیاد و پیگیر شده است و چنان واجب‌الرعايه می‌نماید که به گمان بعضی ترکش، موجب مرض است!

این سنت، برخلاف آئین، مبنایی اسطوره‌ای ندارد و بنابراین بسان آئین، دوام‌پذیر و دیرپای نیست و چه بسا که به اقتضای زمانه، رخت بربندد و از میانه برخیزد<sup>۱</sup> و وفاق عام یعنی اصول و موازین پذیرفته

۱- «ترجمه آثار علمی و فلسفی یونانی به عربی، آغازگر نهضتی بود که «رنسانس اسلام» خوانده شده است و در خلال آن، حتی اسلام سنتی و سنتی، در واکنش به حکمت یونان و خرد جهانی ایران، ادبیات کهن را احیا کرد و استغنا بخشید و به نحو فزاینده‌ای بدان